

A Re-Examination of Social-Perceptual Gaps Leading to Inclination Towards False Mahdavi Claimants¹

Mostafa Rezaei² 

Ali Jamedaran³ 

2. Graduate, Level 4, Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding Author).
eshragh.reza1394@gmail.com

3. Researcher and M. A in Cultural Affairs Planning Management, Qom, Iran.
alijamehdaran@isca.ac.ir



Abstract

An examination of the tendencies towards claimants and deviant movements in Mahdism reveals that various social groups, with diverse educational levels and social strata, have been drawn to emerging Mahdism movements. A sociological investigation into this phenomenon uncovers that our society suffers from multiple perceptual gaps concerning Mahdism. These gaps provide a foundation for sects claiming Mahdism to expand their influence. Over time, the proliferation of these sects increases, while the genuine readiness of the *awaiting community* diminishes. Despite scattered efforts to explain these perceptual gaps, a more precise and critical approach is necessary to identify them systematically. Accordingly, this research employs a descriptive-analytical method to explore the perceptual gaps leading to such tendencies, relying on Quranic verses and traditions. The study concludes that key perceptual

1. **Cite this article:** Rezaei, M., & Jamedaran, A. (2024). A Re-Examination of Social-Perceptual Gaps Leading to Inclination Towards False Mahdavi Claimants. *Journal of Islam and Social Studies*, 12(46), 130–152. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68008.2052>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 14/12/2023 • **Revised:** 12/12/2023 • **Accepted:** 19/11/2023 • **Published online:** 18/12/2024

© The Authors



gaps include prioritizing emotional and sentimental connections to Mahdism over a true understanding of the Imam of the Age, the lack of a proper perception of the infallible Imam's character, an emphasis on meeting the Imam rather than focusing on preparation, a void of spirituality and proper conduct in society, emotional gaps, and a lack of social tranquility. These factors indicate that our society has yet to achieve the perceptual and motivational maturity required to become a truly *awaiting community*.

Keywords

Pathology, Perceptual Gaps in Mahdism, Motivational Gaps in Mahdism, Social Gaps.



بازنگری در خلأهای بینشی اجتماعی زمینه‌ساز

گرایش به مدعیان دروغین مهدویت^۱

علی جامه‌داران^۳

مصطفی رضایی^۲

۲. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

eshragh.reza1394@gmail.com

۳. پژوهشگر و کارشناس ارشد، مدیریت برنامه‌ریزی امور فرهنگی، قم، ایران.

alijamehdaran@isca.ac.ir



چکیده

بررسی مصادیق گرایش به مدعیان و جریان‌های انحرافی مهدویت نشان می‌دهد اصناف گوناگون مردم در سطوح تحصیلاتی و طبقات اجتماعی مختلف به جریان‌های نوظهور مهدویت گرایش داشتند. واکاوی اجتماعی این پدیده، حاکی از این حقیقت است که جامعه ما از حیث بینشی در حوزه مهدویت دارای خلأهای متعددی است که فرقه‌های مدعی با تکیه بر همین خلأها پروژه جذب خود را توسعه می‌دهند. با گذر زمان، بر حجم این فرق افزوده می‌شود و سطح آمادگی حقیقی جامعه منتظر نیز کاهش پیدا خواهد کرد. با وجود کارهای پراکنده در تبیین خلأهای بینشی در این زمینه، اما ضروری است با نگاهی دقیق و بازنگرانه این خلأها بازشناسی شوند؛ براین اساس این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، خلأهای بینشی زمینه‌ساز در این گرایش با تکیه بر آیات و روایات بررسی شد و درنهایت نگارنده به این نتیجه رسید که ازجمله خلأهای بینشی گرایش به جریانات انحرافی در عرصه اجتماعی عبارتند از: تقدم عاطفه و احساس

۱. **استناد به این مقاله:** رضایی، مصطفی؛ جامه‌داران، علی. (۱۴۰۳). بازنگری در خلأهای بینشی اجتماعی زمینه‌ساز گرایش به مدعیان دروغین مهدویت. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۲(۴۶)، صص ۱۳۰-۱۵۲.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68008.2052>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸



مهدوی بر معرفت امام عصر علیه السلام، فقدان درک صحیح از شخصیت امام معصوم علیه السلام، اولویت بخشی به ملاقات امام در عوض روحیه مقدمه‌سازی، خلأ معنویت و سلوک صحیح در جامعه، خلأهای عاطفی و آرامش بخشی در سطح جامعه و... عوامل بیان شده نشان می‌دهد که جامعه ما از حیث بلوغ بینشی و انگیزشی هنوز نتوانسته در طراز حقیقی جامعه منتظر واقع شود.

کلیدواژه‌ها

آسیب‌شناسی، خلأهای بینشی مهدویت، خلأهای گرایشی مهدویت، خلأهای اجتماعی.



مقدمه

هر نوع رفتارشناسی و خلأسنجی در خصوص پدیده‌ای مذموم در جامعه، باید در وهله اول در حیطه بینشی مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد؛ چراکه انسان همان گونه که می‌اندیشد، محبت می‌ورزد و همان طور که میل دارد به عمل می‌رسد. بر این اساس، ضروری است بسترشناسی گرایش به مدعیان دروغین مهدویت در جامعه معاصر ایران نیز از همین مجرا مورد بررسی قرار گیرد. از جمله آثار مرتبط با این موضوع می‌توان به کتاب‌های عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان اثر (عرفان، ۱۳۸۹)؛ شیوه‌ها و شگردهای مدعیان دروغین مهدویت اثر محمدرضا نصوری (۱۳۸۹)؛ آسیب‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت: انگیزه‌ها و اهداف و راهکارهای مقابله با آنان نوشته (عبدالحسینی، ۱۳۹۳) و مقاله «بررسی زمینه روان‌شناسی مؤثر بر پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر» اثر کامیاب (۱۴۰۰) اشاره کرد. اما وجه تمایز این اثر نسبت به موارد برشمرده شده در این است که؛ ۱- در این اثر خلأهای بینشی گرایش مورد تبیین قرار خواهد گرفت، ۲- آسیب‌شناسی گرایش به فرقه‌ها با تکیه بر جامعه ایران، از منظر اجتماعی و با نگاه جامعه‌شناختی انجام خواهد شد تا در راستای شناخت وضعیت فعلی جامعه ایران از حیث ایجابی و سلبی در مواجهه با مدعیان دروغین مهدویت، به این پرسش پاسخ داده شود که خلأهای بینشی زمینه‌ساز گرایش به مدعیان دروغین مهدویت در جامعه ایران دارای چه بسترهایی هستند.

۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری تحقیق

عمل انسان، نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۵). میان نگرش‌ها و انگیزش‌ها رابطه تلازمی برقرار است و انسان براساس نوع نگاه خود نسبت به پیرامون، اشخاص و وقایع به شوق یا

بغض در خصوص چگونگی ارتباط با آنها خواهد رسید.

بنابراین پدیده انگیزش، بیشتر به علل رفتار و تعبیر و تفسیر انسان از رفتارهای گوناگون توجه دارد. روان‌شناسان معتقدند، مسائل اساسی که در روان‌شناسی انگیزش مطرح می‌شود، عبارتند از اینکه: چرا رفتار خاصی پدید می‌آید؟ چرا رفتار هدف‌دار است؟ چرا رفتار معینی برای مدت زمانی طولانی ادامه می‌یابد؟ (رمضانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹). انگیزش و عاطفه، دلایل رفتار افراد را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چرا آنها به روشی خاص رفتار می‌کنند. رفتار دارای انگیزه، رفتاری همراه با انرژی، جهت‌دار و دنباله‌دار است (سانتراک، ۱۳۸۵، ص ۵۸۰)؛ بنابراین دو پدیده شناختی و عاطفی، به نحوی طولی در امتداد یکدیگر قرار دارند و هر عملی در مسیر شکل‌گیری از این بستر باید عبور کند. از همین روی ضروری است برای آسیب‌شناسی و خلایابی رفتاری اجتماعی، این دو عرصه مورد واکاوی قرار گیرد که در این اثر این مؤلفه‌ها در جامعه کنونی ایران تشریح خواهد شد.

۱-۱. مقدم احساسات جامعه بر معرفت امام عصر علیه السلام

پاسخ‌های عاطفی وابسته به شناخت و آگاهی است، اگر شناخت و آگاهی صحیح و مثبت باشد، پاسخ‌های عاطفی متناسب با شناخت صحیح و مثبت خواهند بود و اگر شناخت‌ها انحرافی و نادرست باشند؛ عواطف هم انحرافی و آسیب‌زا خواهند بود (جلالی، ۱۳۸۰، ص ۲۳). طبق آنچه بیان شد پاسخ‌های عاطفی، هیجانات و احساسات انسان‌ها، در مرحله‌ای پس از تکوین بینش‌ها و معرفت آنها نسبت به پیرامون‌شان شکل خواهد گرفت؛ از همین رو، اگر در جامعه‌ای، احساسات بر معرفت‌ها پیشی بگیرد، آن جامعه با چالش ناهمگون شدن سیر عملی در مواجهه با پدیده‌ها روبه‌رو خواهد شد.

این پدیده در باب مهدویت در جامعه ما بسیار دیده می‌شود و واکاوی نگاه و عملکردهای عاطفی افراد نسبت به امام عصر علیه السلام حاکی از این حقیقت است که میل و محبت بدیشان در موارد متعددی به پشتوانه مسموعات گذشته و بدون وجود معرفتی جامع و حقیقی شکل گرفته است. این تقدم احساس بر معرفت سبب خواهد شد شور

مهدوی ایجادشده در جامعه از پشتوانه بینشی عمیق برخوردار نباشد؛ درحالی که مطابق با برخی از روایات غرض از خلقت، دستیابی به معرفت خداوند متعال از طریق امام عصر است تا پس از شکل گیری آن به عبودیت خداوند پرداخته شود؛ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ»؛ خدای متعال بندگان را نیافریده جز برای درک مقام معرفت، اگر به مقام معرفت رسیدند، ثمره معرفت عبودیت و بندگی است و درک مقام بندگی با معرفت خدای متعال حاصل می شود و اگر به مقام عبودیت حضرت حق راه پیدا کردند، استغناء نفس پیدا می کنند و از کرنش در برابر دیگران و اظهار فقر به مخلوق بی نیاز خواهند شد (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹).

در ادامه روایت فوق، فردی از امام حسین علیه السلام پرسیده است این معرفت چیست؟ معرفتی که انسان را به عبودیت تام خواهد رساند. حضرت در پاسخ فرمودند: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ معرفه الله همان معرفه الامام است. انسان از مجرای شناخت امام زمان خود می تواند به معرفت خداوند نائل آید (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹). بر همین اساس است که معرفت توحیدی متوقف بر معرفت امام عصر علیه السلام است؛ انسان خاکی از دستیابی به معرفت خداوند به نحو استقلال عاجز است و باید به اعراف تمسک نماید تا به سیل معرفت حق تعالی دست پیدا کند؛ «نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا» (مجلسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۸)؛ براساس حکمت خداوند، ائمه اطهار علیهم السلام باب و صراط ورود به ساحت معرفت توحید هستند و زمانی که مشیت خداوند بدین نحو تعلق گرفته باشد، دیگر طرق معرفت توحیدی راه به جایی نخواهند برد و ثمره سلوک خارج از این وادی، هبط عمل خواهد بود. اگر راه دیگری برای وصول به توحید غیر از معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام وجود داشت، تخطئه مکتب «حسبنا کتاب الله» نیز اشتباه خواهد بود. انسان آکنده از محدودیت است و نه تنها در قیامت، بلکه در همین سرا به شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام نیازمند است تا بتواند در هجمه های حیات ظلمانی مادی به معرفت خداوند متعال برسد و اگر ایشان جهت تحقق معرفت خویش به سالک امداد نکنند، معرفت توحیدی نیز حاصل نخواهد شد.

اگر در روایات متعدد امام معصوم علیه السلام به سبیل خداوند، باب حق تعالی، صراط مستقیم، وجه خداوند و... تعبیر شده، تعبیر تسامحی نبوده بلکه حاکی از واقعیت گذرگاه بودن ایشان است، بدین معنا که بدون ورود بدین مدخل و طی نکردن این مسیر، توحیدی شکل نخواهد گرفت. این سیر معرفتی باید در وجود جامعه منتظر شکل بگیرد تا نوع ارتباط جامعه منتظر با امام عصر علیه السلام، از منشأ بینشی استوار و صحیح برخوردار باشد. جامعه‌ای که در پستوهای بینشی خود بدین نتیجه رسیده که حجت خداوند غائب است و ما وظیفه دعا داریم و جایگاه او در مسیر عبودیت، دین و دنیای بشریت، چندان ضرورتش احساس نمی‌شود، قادر نخواهد بود به احساسی غنی و عمیق نسبت به ایشان دست یابد. مطابق با ادله مختلف، امام علیه السلام طریق معرفت خداست که امام صادق علیه السلام در حدیثی به مفضل فرمودند: «تَبَارَكَ اللهُ تَعَالَى إِنَّمَا أَحَبُّ أَنْ يَعْرِفَ بِالرُّجَالِ وَ أَنْ يَطَاعَ بِطَاعَتِهِمْ فَجَعَلَهُمْ سَبِيلَهُ وَ وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ»؛ خداوند اینگونه دوست داشته که از طریق رجالی شناخته و از طریق طاعت آنان طاعت شود (بحرانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۵۹)؛ بنابراین معرفت امام طریق معرفت خداست و اگر کسی بخواهد به معرفت خداوند برسد و در پرتو معرفت او به وادی بندگی خداوند متعال راه پیدا کند، راهش معرفه‌الامام است.

اگر انسان در دوران غیبت بدین سمت و سو گام بردارد که امام غائب است و من او را نمی‌بینم و خود نیز در شئون مختلف زندگی، امام را حاضر و ناظر نیند، در واقع امامت امام در زندگی خود را قبول نکرده است. چگونه انسان می‌تواند وجودی را به امامت بپذیرد در حالی که نه او امام خود را درک می‌کند و می‌بیند و نه امام را ناظر و حاضر در ابعاد مختلف زندگی می‌بیند؟! امام در پرتو مقام ولایی خود، به اذن خداوند بر تمامی احوال انسان محیط است و علم او نسبت به ما، از مقوله علم‌های حصولی نیست که آمیخته با جهل و جزئی‌نگری باشد. احساس شکل گرفته نسبت به امام عصر علیه السلام بدون چنین پشتوانه بینشی، با ایجاد هیجان‌ات کاذب توسط مدعیان دروغین دچار اعوجاج خواهد شد و انتظار و نوع تعامل فرد با پیرامونش را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ چراکه تولی مترتب بر معرفت است و حبّ فاقد شناخت، فاقد اصالت خواهد بود و تغییر و ایجاد تحریف در آن، با سهولت به مراتب بیشتری رخ خواهد داد.

در جامعه ما در باب ارتباط با امام عصر، اگر تولی‌ها و احساسات به درستی هدایت نگردد، جای محبوب و مبعوض تغییر خواهد کرد؛ بر همین اساس، انسان با جهت‌دهی صحیح به تولی خود در ارتباط با امام عصر، به محبت حقیقی نسبت به وجود ایشان دست پیدا خواهد کرد و این محبت، او را از ورطه اعتقادات سوء و انحرافی نجات خواهد داد و به تدریج باورها و اعتقادات صحیح را جایگزین آن خواهد کرد. امروزه اگر فرقه‌های انحرافی و نوظهور در مهدویت، قادرند بخشی از قشر متدین را با خود همراه سازند، به سبب عدم تعمق معرفتی آنان نسبت به مهدویت و بسنده کردن به احساسات شکل گرفته در بستر زمان است. احساساتی که اگر مورد کنکاش، بازسازی و ارتقا قرار گیرند، عمق محبتی بالاتری را در وجود تک‌تک جامعه نسبت به امام عصر ایجاد خواهند کرد و از نفوذ تفکرات انحرافی و مدعیان کاذب در میان اجتماعات مؤمنین جلوگیری می‌کنند.

۲-۱. فقدان معرفت جامع از مقام امام عصر علیه السلام

جامعه منتظر اگر میزان ادراکش نسبت به شخصیت امام عصر، اکتفاء کردن به شناخت شناسنامه‌ای، برداشت‌های اجمالی و سطحی از ایشان، دوران غیبت و عصر ظهور باشد، گرفتار برداشت‌های سطحی و روئین از حجت خداوند خواهد بود. اگر اسم و مظاهری صوری از امام عصر علیه السلام، به تنهایی و بدون توجه به مصداق حقیقی مورد انتظار قرار گیرد، جامعه منتظر از مسیر انتظار حقیقی فاصله گرفته است. خداوند متعال خود را در قرآن کریم به اسما متعالی متعددی وصف کرده که رحمن، رحیم، سمیع، قادر و... بخشی از آنها بوده و در ادعیه متعددی همانند جوشن کبیر این اسامی به نحوی جامع برشمرده شده است. این مرحله ظاهر از خواندن خداوند با اسماء خود بوده که در آیات شریفه بدان تأکید شده است؛ «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ»؛ و برای خدا نام‌های نیکی است، خدا را به آن بخوانید و آنها را که اسماء خدا را تحریف می‌کنند، رها سازید (اعراف، ۱۸۰).

روایتی از علی بن ابراهیم علیه السلام نقل شده است که نشان می‌دهد طرق دیگر رسیدن به

توحید یا به کفر منتهی می‌شود یا شرک و منتهای هر دو این نتایج چیزی جز دستیابی به سراب و توهم نخواهد بود؛ «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِالتَّوَهُّمِ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ وَلَمْ يُعْبِدِ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ وَالْمَعْنَى فَقَدْ أَشْرَكَ وَمَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى بِإِقْبَاعِ الأَسْمَاءِ عَلَيْهِ بِصِفَاتِهِ الَّتِي وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ فَعَقَدَ عَلَيْهِ قَلْبَهُ وَنَطَقَ بِهِ لِسَانَهُ فِي سَرَائِرِهِ وَعَلَانِيَتِهِ فَأَوْلَيْكَ أَصْحَابُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۷۷)؛ مطابق با این روایت شریفه، هر کس اسمی به تنهایی یا معنایی به تنهایی یا هر دو را به جای طی کردن طریق حقیقی عبادت کند، به کفر و شرک گراییده است اما اگر کسی معنا را عبادت کند همراه با اسماء و صفاتی که خداوند متعال خود را بدان‌ها توصیف نموده و قلب و لسان و ظاهر و باطنش با آن همراه شد، از اصحاب و اولیاء حقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد بود. حقیقت این اسماء باید خوانده شود تا انسان در ارتباط با خداوند متعال گرفتار کفر و شرک نشود؛ «نام‌های خداوندی عموماً و اسم اعظمش خصوصاً، هر چند در عالم هستی و وسائط و اسباب نزول فیض در این جهان مؤثر است، ولی تأثیر آن مربوط به حقایق این اسماء است نه خود الفاظی که دلالت بر آن می‌کند و نه به معانی متصوره در ذهن» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۷۲).

روایات متعددی در خصوص باطن این سنخ از آیات شریفه وارد شده که به صراحت دعوت به رها نمودن غیر اسماء خداوند نموده است. در واقع حقیقت این اسماء باید از هرگونه توحید خالص باشند که بتوانند مخلوقین را به حق تعالی برسانند، در روایات متعددی این حقیقت به وجود امام معصوم علیه السلام تطبیق داده شده است؛ «نَحْنُ وَ اللهُ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»؛ ما آن اسمای حسناى الهی هستیم که به واسطه ما خدا باید عبادت بشود والا عبادت قبول نمی‌شود (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۳).

حقیقت اسم اعظم خداوند، وجود امام عصر علیه السلام و انسان کاملی است که تمامی مراتب توحیدی را در وجود خود جای داده است و جدایی میان او و حق تعالی وجود ندارد و شناخت او انسان را به سمت شرک و کفر منتهی نخواهد ساخت؛ بلکه او تنها طریق شناخت توحید است؛ «بدان که انسان کامل، مثال اعلاى خدا و آیت کبرای او و

کتاب مستبین حق و نبأ عظیم بوده و بر صورت حق آفریده شده است و با دو دست قدرت او وجود یافته و خلیفه خداوند بر مخلوقاتش و کلید باب معرفت حق می‌باشد و هر که او را بشناسد خدا را شناخته است. او با هر صفتی از صفات و با هر تجلی از تجلیاتش آیتی از آیات خداوند است و از زمره نمونه‌های بلند مرتبه و گران‌قدر برای شناخت خالق است» (خمینی، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

شناخت‌های سطحی جامعه از ولی تام خداوند، سبب خواهد شد قوه تمییز آنها در شناخت حجت حقیقی از غیر او با اختلال روبه‌رو شود. جامعه اگر قادر نباشد با خصائص حقیقی امام معصوم علیه السلام را از غیرش بازستاند، چگونه می‌تواند مدعی را از امام بازشناسد؟! امام، جامع همه فضائل و حقیقت خیر، اصل و فرع آن است، با این حال چگونه ممکن است از انجام ابتدایی‌ترین امور متناسب با شأن امامت عاجز باشد و کلمات به کار رفته در آیات و روایات شریفه را به خطا تلفظ کند؟! برخی از انصار احمد اسماعیل بصری در مقام توجیه این خطاهای پرتکرار و تنزیه ذهن مخاطب از خلأهای شخصیتی احمد اسماعیل گفته‌اند: «ای حسن نجفی! آیا امکان دارد که احمد الحسن تشخیص ندهد که حروف جر به اسامی نصب می‌دهند یا جر می‌دهند؟ این امر بر کسی که پایین‌ترین مرتبه علمی را هم داشته باشد پوشیده نیست. مایلیم به تو خبر بدهم که در دانش‌های زبان عربی، کسی به گرد احمد الحسن هم نمی‌رسد و او از تو و سروران تو به عربی آشناتر است؛ اما ایشان در نوشته‌هایشان آن قدر که روی روشن ساختن معنا و قدرت استدلال و برهان‌آوری تمرکز می‌کند، بر این موضوع تمرکز ندارد و اشتباهاتی که تو به مسخره گرفته‌ای معنی را تغییر نمی‌دهند و عمده‌ی آن از زیاده‌روی‌های لغوی است که بیش از آنچه سود بخشد، زیان آور بوده و از مبالغه در لغت است که اهل بیت علیهم السلام از آن نهی نموده‌اند» (العقیلی، بی‌تا، ص ۹).

تبیین شخصیتی از امام عصر علیه السلام اگر در جامعه آنقدر تنزل پیدا کند که مردم با شنیدن چند زمان و مکان به یاد آن حضرت بیفتند و تصویرسازی ذهن‌شان از امام به همین میزان باشد، مدعیان دروغین به راحتی می‌توانند از این فضای مبهم و تاریک شناختی جامعه شیعه استفاده کنند و خود را مهدی سیزدهم معرفی کنند. هرچه داده‌های

ذهنی منتظر از امام عصر علیه السلام، دقیق تر باشد، شناخت او نیز زلال تر خواهد بود. چنین جامعه‌ای به عمیق‌ترین ابزار جهت تطبیق مدعی و امام منتظر که همان معرفت حقیقی است مجهز است؛ اما بررسی‌های حاکی از این است که گفتمان فرهنگی جامعه ما در معرفی امام عصر به جامعه، خود از نبود چنین شناخت جامعی در موارد متعددی رنج می‌برد و به همین سبب از قدرت کافی برای تبیین شخصیت امام عصر علیه السلام به مردم برخوردار نیست. پس در مرحله اول باید متولیان، صاحبان قلم و ایده، ابعاد شناختی خود از امام را ارتقا بخشند و پس از آن، براساس آیات و روایات، ابعاد پنهان متعدد از شخصیت امام عصر که در زیارت‌های اصیلی مانند زیارت جامعه کبیره از لسان امام معصوم علیه السلام ذکر شده را برای تک‌تک مردم تشریح و فرهنگ‌سازی کنند.

۱-۳. شدت‌مندی انگاره ملاقات‌گرایی در عوض روحیه مقدمه‌سازی

اصالت‌بخشی به ملاقات امام عصر و معطوف کردن توجه و تمرکز جامعه بر مسائلی مانند ملاقات امام و دیدار ایشان در عالم رؤیا، سبب دور شدن جامعه منتظر از گفتمان اصیل خود و مهجور ماندن روحیه مقدمه‌سازی خواهد شد. در چنین حالتی هم‌وغم جامعه معطوف به دیدار خواهد شد و گفتمان مقدمه‌سازی ظهور به رویه‌ای حداقلی در جامعه خواهد رسید. در چنین دالانی، مدعیان کاذب این فرصت را خواهند داشت تا با دامن‌زدن به مسائلی مانند ملاقات امام عصر و ادعای وصیت و مشاهده امام در رؤیا اهداف خود را در قالبی مورد رضایت جامعه پیش ببرند.

زمانی که در جامعه شیعی، ملاقات امام عصر و تقدس‌بخشی به مشاهده‌کنندگان رؤیاهای مهدوی، به اصل تبدیل شود، طبیعی خواهد بود که مدعیان این ابزارهای باطنی را محور گفتمان خود قرار دهند.

در همین راستا احمد اسماعیل معروف به احمد الحسن اولین سابقه آشنایی خود با امام عصر را در قالب خواب تعریف کرده است: «وَقَصَّهُ هَذَا اللَّقَاءُ هِيَ إِنِّي كُنْتُ فِي لَيْلَةٍ مِنَ اللَّيَالِي نَائِمًا فَرَأَيْتُ رُؤْيَا فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاقِفًا بِالْقُرْبِ مِنْ ضَرِيحِ سَيِّدِ

مُحَمَّدٌ أَخُو الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ وَأَمَرَنِي بِالْحُضُورِ لِلِقَائِهِ وَبَعْدَ ذَلِكَ اسْتَيْقَظْتُ وَكَانَتْ السَّاعَةُ الثَّانِيَةَ لَيْلًا؛ لازم می‌بینم که ماجرای دیدار خودم را ولو به اختصار تعریف کنم... ماجرای دیدار این است که من شبی از شب‌ها در خواب بودم که رؤیایی در آن خواب دیدم؛ گویی که امام مهدی عجل الله فرجه کنار درب نزدیک به ضریح سید محمد عجل الله فرجه برادر امام حسن عسکری عجل الله فرجه ایستاده بود و به من امر می‌کرد که به دیدارش بروم. پس از آن از خواب بیدار شدم و ساعت هم دو نصف شب بود (بصری، بی‌تا، ص ۱۵).

در جامعه گرایش مردم به امور باطنی، کشف و شهودی و رؤیا گسترده است؛ همین اقبال سبب شده بسیاری از فرقه‌های انحرافی در بدو شروع دعوت و جهت تقویت مریدان خود، به بیان رؤیا روی می‌آورند تا از طریق ادعای مشاهده امام عصر، مخاطب را از حیث احساسی با خود همراه سازند. این رویه هرچند در نگاه اول سطحی نشان می‌دهد؛ اما تکرار آن با تنوع بیانی و روشی، موجب می‌شود مدعی در نگاه پیروان از نوعی تقدس برخوردار شود و خطاها و تغایرها و تناقض‌های دعوتی او، ناخودگاه در ضمیر پیروان توجیه گردد. به همین سبب علی یعقوبی (بنیان‌گذار فرقه یعقوبی)، مدعی ارتباط و مشاهده حضرت زهرا عجل الله فرجه؛ وی می‌گوید: «اگر سلمان یک صحنه دید و ایمان آورد، یعنی یک رفتار دید، من آن رفتار را هم ندیدم، یک صحنه نسبتاً ثابت دیدم، عکس نبود، صحنه سه بعدی بود (در خواب) ولی شخص ایستاده بود نگاه می‌کرد، معلم ایستاده بود نگاه می‌کرد. تمام زندگیم را از آن لحظه به بعد برایش گذاشتم، تا کجا؟ تا آن‌جا که گفتیم همه چیزمان باید از فاطمه باشه، با فاطمه، همیشه باید با فاطمه باشیم» (سخنرانی علی یعقوبی در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱۰).

احمد اسماعیل در کتاب‌ها، بیانیه صوتی و سایت رسمی خود خواب را روشی از غیب و نزدیک‌ترین راه برای تشخیص امام معصوم عجل الله فرجه دانسته و می‌گوید: «أقصر طريق للإيمان بالغيب هو الغيب، أسألي الله بعد أن تصومي ثلاثة أيام وتتوسلي بحق فاطمه بنت محمد عجل الله فرجه أن تعرفني الحق من الله بالرؤيا أو الكشف أو بأى آية من آياته الغيبية الملكوتية سبحانه و تعالی»؛ کوتاه‌ترین راه برای ایمان به غیب، استفاده از خود غیب است. پس از سه روز روزه‌داری متوسل به حضرت زهرا شوید و از خدا بخواهید که حق را در عالم

رؤیا، مکاشفه یا به وسیله یکی از نشانه‌های غیبی‌اش به شما نشان دهد (بصری، بی‌تا، ج ۱، ص ۷).

اصل باورداشت رؤیای صادقه، ریشه در آیات و روایات شریفه دارد؛ همچنان‌که خداوند متعال رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام را تصدیق فرمود که نشان می‌دهد؛ «وَنَادَىٰ نَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»؛ و ابراهیم را ندا دادیم رؤیا را تصدیق کردی، همانا ما به این ترتیب تو را پاداش می‌دهیم (صافات، ۱۰۴ و ۱۰۵)؛ اما پذیرش اجمالی صحت برخی از رؤیاها دلیل بر پذیرش هر نوع خوابی نخواهد بود و نمی‌توان بر اساس چنین پدیده‌ای اموری اساسی مانند مسئله امامت و وصایت امر عصر را مترتب ساخت؛ بنابراین هرچند انسان می‌تواند در مواردی با تصفیه وجود و باطن خود به رؤیاهایی صادقه دست پیدا کند؛ اما حجت بودن آن به خصوص در امور راهبردی دین مورد پذیرش هیچ ذهن سدید و تفکر سلیم اخلاقی، فقهی و حتی عرفی نیست؛ همچنان‌که شیخ مفید می‌فرماید: «ومع ذلك فإننا لسنا نثبت الأحكام الدينية من جهة المنامات» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۰)؛ باید توجه داشت که ما احکام دینی را به وسیله رؤیا و خواب اثبات نمی‌کنیم.

بر این اساس، ملاقات امام در عالم رؤیا هم می‌تواند از سنخ رؤیای صادقه باشد و هم ناشی از تصویرسازی‌های ذهنی قبل از خواب. اما تفکیک این دو امری دشوار است، گاهی انسانی مؤمن ممکن است رؤیای غیرصادق مشاهده کند و گاهی نیز فردی چون عزیز مصر می‌تواند رؤیایی صادق را ببیند که سرنوشت چهارده سال سرزمین مصر با آن تغییر کند؛ لذا اصل فرهنگ حاکم ملاقات‌گرایی و اهتمام دادن به رؤیا، سبب سوء استفاده فرقه‌های انحرافی قرار گرفته و به سبب باریک‌بودن مرزهای رؤیای صدق از کذب، لازم است بنای مشاهده‌کننده رؤیا بر احتیاط و عدم ترتب اثرات دینی باشد و برای تعبیر آن، به حاذقین و علمای صادق این فن مراجعه شود. همان‌طور که تعبیر حقیقی رؤیای عزیز مصر توسط معبرین دربار ممکن نبود و اعتقاد داشتند این خواب از زمره اضعاث احلام است، درحالی‌که خواب او ریشه در واقعیت داشت؛ بنابراین، با وجود صحت برخی از رؤیاها نباید این پدیده تبدیل به فرهنگی رایج و ابزاری

جهت سنجش حق از باطل قرار گیرد تا مورد بهره‌برداری فرقه‌های مهدویت قرار نگیرد.

۴-۱. خطای سنجشی در تشخیص محرک‌های معنویت‌بخش حقیقی

مسیر بندگی خداوند، سرشار از راه‌های انحرافی است و بدون به کار بستن مؤلفه‌های قرار گرفتن در صراط مستقیم، امکان رهاشدن از راه‌های گمراه‌کننده وجود نخواهد داشت؛ «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ و (توصیه کرد به) اینکه این (دستورات) راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی مکنید که شما را از راه او پراکنده سازد. اینهاست که خدا شما را بدان سفارش کرد، شاید پرهیزید (انعام، ۱۵۳). در جامعه ایران، علی‌رغم گرایش بسیاری از مردم به امور باطنی و معنویت‌بخش؛ اما مصداق‌های حقیقی معنویت به طور شایسته در آن به فرهنگ‌سازی تبدیل نشده است. مردم جامعه ما، به سبب گرایش‌های معنوی و نیاز به امور معنوی، معنویت‌خواه هستند که همین امر باعث شده نسبت به دعوت‌های معنویت‌بخش افراد و فرقه‌ها، نرمش نشان دهند؛ چراکه این باور در سطح اجتماع ما رسوخ پیدا کرده که معنویت از بستر ارتباط و ایمان به غیب حاصل می‌شود؛ اما تشخیص معنویت حقیقی از غیر آن، نیازمند دستیابی جامعه ما به کمال شناختی است تا در سنجش خود در این زمینه گرفتار خطا نشود؛ «معنویت در الهیات اسلامی عبارت است از معرفت و ایمان به غیب و تبیین توحیدی از نظام هستی و مبتنی ساختن اعمال جوارحی و جوانحی بر همین پایه و بنیان است. این معنویت زیربنای عبادات و اخلاقیات و روابط اجتماعی است. براساس معرفت اسلامی معنویت پایه سلامتی جسم و روح است (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

خلأهای عاطفی و آرامش‌بخشی در سطح جامعه، زمانی که با معرفت جامع و شناخت دقیق مصداقی همراه نباشد، ناخواسته انحراف در گرایش‌ها را ایجاد خواهد نمود؛ چراکه اگر به نیاز درونی جامعه پاسخ داده نشود، این احساس معنویت‌طلب، خود به دنبال تأمین نیازش به راه خواهد افتاد و در این فرآیند، جذاب‌ترین دعوت معنوی او را به سوی خود خواهد کشید. به همین جهت ضروری است مطابق با آیه شریفه فوق،

حس معنویت خواه موجود در جامعه به سمت صراط هدایت شود تا زمینه‌های جذب شدن او به سُئُل که همان فرقه‌های انحرافی است مسدود شود.

حجم احساس و نیاز عاطفی و آرامش‌بخشی ناشی از ارتباط با امام عصر و عدم جهت‌دهی صحیح آنها و خلأ برنامه‌ریزی مسئولین و نهادها و بسترهای فرهنگی جامعه، سبب شده فرقه‌های انحرافی مهدویت بتوانند در هر دوره زمانی، بخشی از اقشار جامعه را با خود همراه سازند و به همان میزان ابعاد فرهنگی، اجتماعی سیاسی و امنیتی جامعه را با خطرات و معضلات جدی مواجه سازند. فرقه‌های انحرافی مهدویت، به همان میزان که مولود فقدان معنویت در جامعه هستند، به همان میزان نیز معنویت‌های مهدویت‌گرا را از سطح جامعه از میان خواهند برد.

جامعه ما در حال حاضر در مواردی با چالش سلامت معنوی روبه روست، بخشی از این معضل به صورت بیماری‌هایی مانند افسردگی، پرخاشگری، بزه کاری و... خود را نشان می‌دهد و بخشی دیگر نیز در برخی هرچند محدود از اقشار متدین، به صورت گرایش‌های انحرافی به فرقه‌های مدعی خود را نشان خواهد داد؛ «انسان مدرن از این عمیق‌تر شدن وضع «بی‌خانمانی» رنجور است. این خصلت تجربه کوچندگی تجربه‌ی انسان مدرن از جامعه و از خویشتن، با آنچه به خلأ مابعدالطبیعی «کاشانه» موسوم است، هم‌بستگی دارد. ناگفته پیداست که تحمل چنین وضعی از نظر روان‌شناسی برای فرد چه اندازه دشوار است. چنین وضعی به طور طبیعی، احساس دل‌تنگی خاص خود را به دنبال دارد؛ دل‌تنگی برای بازگشت به احساس بودن «در خانه خود»، بودن با جامعه، خویشتن و سرانجام با جهان هستی. (برگر، ۱۳۸۱، ص ۸۹). امروزه مأنوسیت بیش از حد با ارمغان‌های زندگی مدرن، خلأ معنوی را در جامعه ما افزایش داده و همین امر باعث شده سطح تکیه‌گاهی فرقه انحرافی برای مردم جامعه ما بیش از پیش گردد. زمانی که محرک‌های معنویت‌بخش در سطح جامعه، ریشه‌یافته از بسترهای اصیل آموزه مهدویت نباشد، این خلأ شکل گرفته، زمین فعالیت هرچه بیشتر فرقه‌ها و مدعیان کاذب مهدویت را بیش از پیش فراهم خواهد کرد و به سبب غبار آلود بودن فضای معنوی حاکم، تشخیص حق از باطل و صحیح از سقیم برای تک‌تک گروندگان ممکن نخواهد بود.

۵-۱. شکل‌گیری نگره منفی نسبت به نهادهای منتسب به امام عصر علیه السلام

در جامعه ما نهادهای متعددی مستقیم و غیرمستقیم رسالت‌های مهدوی بر دوش دارند و نگاه جامعه، نظر انتساب این مراکز به امام عصر علیه السلام است و به همین سبب مطالبه مقدمه‌ساز بودن و در طراز ظهور بودن از آنها بالاتر خواهد بود. یکی از علل پررنگ در گرایش محبین امام عصر علیه السلام به فرقه‌های کاذب مهدویت، کمود کارایی لازم این نهادهاست که ناشی از عدم ادراک جامع و گسترده این نهادها نسبت به رسالت‌های خود در باب مقدمه‌سازی ظهور است. زمانی که فردی با نظر و تحلیل کارآیی مرکز منتسب به مهدویت، به این نتیجه برسد که آن نهاد از غایت مورد انتظار خود در این زمینه فاصله زیادی دارد، به سمت فرقه‌های گرایش پیدا خواهد کرد که هرچند در ظاهر تلاش بیشتری برای فعالیت در راه امام عصر علیه السلام دارند.

امروزه یکی از علل پررنگ گرایش به فرقه احمد اسماعیل، کم‌کاری و عدم انجام رسالت‌های مهدوی لازم برخی از نهادهای منتسب به امام عصر است. افراد این فرقه با پررنگ‌نمودن این کم‌کاری در ذهن منتظران امام عصر این داده‌ها را پرتکرار می‌کنند که اگر این نهادها و افراد، در خصوص مهدویت به حق بودند، پس چرا تا این حد از بسترسازی ظهور و آرمان‌های بنیادین مهدویت فاصله گرفته‌اند؟! ایجاد درگیری ذهنی در سیر فکری مخاطب در مرحله اول تا ایجاد بدبینی و ناامیدی به این مراکز، قدم اول فرقه‌ها در راه جذب جامعه منتظر به خود است و در قدم دوم، ارائه چهره مقبول و پرکار و دغدغه‌مند ظهور از خود، گام دیگری است که به طور عمده در این فرقه برای جذب افراد انجام می‌شود. این تصویرسازی منفی، به تدریج سبب بدبینی و سلب نگرش مثبت جامعه به این نهادها خواهد شد.

کمبودهای موجود در این نهادها، سبب شده فرقه‌های مدعی مهدوی بتوانند از این حفره در ایجاد تصویری منفی از این نهادها استفاده کنند. متعدد بودن مراکز مهدوی، با رویکردی موازی، عدم برنامه‌ریزی کلان، جامع و درازمدت در این نهادها، نبود درک صحیح از وضعیت حال حاضر انتظارگرایی در جامعه، نبود نگاه تاریخی به مهدویت در میان مراکز مهدوی و اشکالات شکلی، ساختاری و محتوایی متعدد به نهادهای خرد و

کلان منتسب به امام عصر علیه السلام در جامعه کنونی ما سبب شده، مدعیان دروغین مهدویت بتوانند پروژه جذب خود را گسترش دهند و با دلسرد کردن منتظرین امام عصر از این مراکز و حکومت دینی با رویکرد مهدویت، آنها را با نظریات خود همراه سازند؛ «سکوت و بی طرفی علما و روحانیون و حوزه‌های علمیه به هیچ وجه نمی‌تواند دشمنی دشمن را متوقف کند؛ بنابراین حرکت حوزه‌های علمیه، بی طرف نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین‌المللی یک ضرورتی است که نمی‌شود از آن غافل شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

بنابراین، علاج هرچه سریع‌تر عقب‌ماندگی نهادها و مراکز منتسب به امام عصر علیه السلام، یکی از اساسی‌ترین راهکارهای مقابله با پروژه‌های جذب فرقه‌های انحرافی به خصوص فرقه احمد بصری است؛ چراکه خیل پیوسته به این گروه در تکاپوی غایتی هستند که امروز در جامعه ما مفقود است و اگر این حفره در داخل پر شود، نواقص این فرقه و انحرافات آن، با دیده بازتری مشاهده خواهد شد. یکی از رازهای گرایش برخی از طلاب حوزه‌های علمیه به فرقه احمد اسماعیل، کاستی‌های نهاد مقدس حوزه در پردازش به رسالت بزرگ مهدوی خود است؛ لذا هرچه حوزه بتواند رسالت مقدمی و بسترساز خود را برای ظهور، در درون خود و بیرون به نحو عمیق و وسیع‌تری انجام دهد، به همان میزان در روند جذب به فرق کاذب مهدوی نیز خلل ایجاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در هر آسیب اجتماعی، در وهله اول، کمبودهای اجتماعی موجود سبب توسعه و گسترش آفت‌ها خواهد شد. در حوزه مهدویت، کمبودهای متعدد بینشی مسیر را برای گسترش هرچه بیشتر نیروگیری و ترویج مکتب فکری مدعیان دروغینی چون احمد اسماعیل فراهم کرده است. مدعی کاذب، از کمبود اجتماعی موجود نهایت بهره را می‌برد و در جهتی معکوس خود را در نقطه کمال از این کمبودها و نواقص معرفی می‌کند تا بتواند به شکاف اجتماعی موجود دامن بزند و فاصله منتظرین و محبین به امام عصر علیه السلام را با آرمان حقیقی انتظار و نظام حاکم دینی بیشتر کند. در این اثر ابعادی از

این خلأها مورد بررسی قرار گرفته و برآیند حاصل از آن عبارت است از اینکه جامعه حال حاضر ما در عرصه انتظار، به سبب عوامل مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی و... با چالش‌های متعددی روبه‌روست که همین کمبودها در یک وهله سبب رونق گرفتن بازار مدعیان مهدویت و در وهله‌ای موجب تأخیر در فرآیند نیروسازی برای ظهور و شکل‌گیری انتظار حقیقی و جامع امام عصر شده است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

بحرانی، سیدهاشم. (۱۳۹۷). تفسیر البرهان. تهران: تهذیب.

برگر، پیتر و دیگران. (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی) (مترجم: محمد ساوجی). تهران: نی.

بصری، احمد بن اسماعیل. (بی‌تا). الجواب المنیر. اصدارات انصار. بی‌جا.

بصری، احمد بن اسماعیل. (بی‌تا). بیان قصه اللقاء. اصدارات انصار. بی‌جا.

جلالی، حسین. (۱۳۸۰). درآمدی بر بحث «بینش»، «گرایش»، «کنش» و آثار متقابل آن‌ها. تهران: معرفت.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ برگرفته از پایگاه استنادی مقام معظم رهبری. B2n.ir/w16185

خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۳). امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

رمضانی، خسرو. (۱۳۷۹). روان‌شناسی تربیتی. یاسوج: فاطمیه.

سانتراک، جان. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. یزد: دانشگاه یزد.

شیخ صدوق، ابن بابویه. (۱۳۸۹). علل الشرایع. قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸). المیزان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

عبدالحسینی، محمد. (۱۳۹۳). رساله سطح سه: آسیب‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت: انگیزه‌ها و اهداف و راهکارهای مقابله با آنان (استاد راهنما: عزالدین رضانژاد، استاد مشاور: رحیم کارگر). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

عرفان، امیرمحسن. (۱۳۸۹). عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان اثر. تهران: اندیشه کهن پرداز.

- العقيلي، ناظم. (بی تا). الرد الأحسن فی الدفاع عن أحمد الحسن، اصدارات انصار. بی جا.
- کامیاب، مسلم. (۱۴۰۰). بررسی زمینه روان‌شناسی مؤثر بر پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران. نشریه انتظار موعود، ۲۱(۷۳)، صص ۵۱-۶۹.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۳). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹). کافی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۰). بحارالانوار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۹). مقومات معنوی سلامت در الهیات اسلامی. تهران: اخلاق پزشکی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). الفصول المختاره. قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
- نصوری، محمدرضا. (۱۳۸۹). شیوه‌ها و شگردهای مدعیان دروغین مهدویت. تهران: اندیشه کهن پرداز.
- نیت، گنج؛ دیوید، برلاینر. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی (مترجمان: غلامرضا خوی‌نژاد و همکاران). مشهد: پاژه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

*The Holy Qur'an

- Abdolhoseini, M. (2014). *Level three dissertation: Pathology of false claimants of Mahdism: Motives, goals, and strategies to confront them* (Advisor: A. Reza-Nejad; Co-advisor: R. Kargar). Qom: Qom Seminary Management Center. [In Persian]
- Al-Aqili, N. (n.d.). *Al-Radd al-Ahsan fi al-Difa' an Ahmad al-Hasan*. Ansar Publications.
- Al-Mufid, M. B. M. (1413 AH). *Al-Fusul al-Mukhtarah*. Qom: Sheikh Mufid Millennium Congress. [In Arabic]
- Bahrani, S. H. (2018). *Tafsir al-Burhan*. Tehran: Tahdhib. [In Persian]
- Basri, A. I. (n.d.). *Al-Jawab al-Munir*. Ansar Publications.
- Basri, A. I. (n.d.). *Bayan Qissat al-Liqa*. Ansar Publications.
- Berger, P., et al. (2002). *The homeless mind: Modernization and consciousness* (M. Savouji, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Erfan, A. M. (2010). *Factors leading to the emergence of false claimants of Mahdism and people's inclination towards them*. Tehran: Andishe-ye Kohanpardaz. [In Persian]
- Gage, N., & Berliner, D. (1995). *Educational psychology* (G. Khui-Nejad & Colleagues, Trans.). Mashhad: Pajeh. [In Persian]
- Jalali, H. (2001). *An introduction to the discussion of "insight," "tendency," and "action" and their mutual effects*. Tehran: Ma'rifat. [In Persian]
- Kamiyab, M. (2021). Examining psychological factors influencing the acceptance of claims by false claimants of Mahdism in Iran. *Montazer-e Mouood Journal*, 21(73), pp. 51–69. [In Persian]
- Karimi, Y. (1994). *Social psychology*. Tehran: Besat. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2010). *Statements in a meeting with students and scholars of Qom Seminary; extracted from the Supreme Leader's official website*. From: B2n.ir/w16185. [In Persian]

- Khomeini, R. (2014). *Imamate and the perfect human from the perspective of Imam Khomeini*. Tehran: Center for the Preservation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Kulayni, M. Y. (2010). *Al-Kafi*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- Majlesi, M. B. (2011). *Bihar al-Anwar*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- Mohaqqiq Damad, M. (2010). *Spiritual components of health in Islamic theology*. Tehran: Ethics in Medicine. [In Persian]
- Motahari, M. (2006). *Collected works*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Nasouri, M. R. (2010). *Methods and tactics of false claimants of Mahdism*. Tehran: Andishe-ye Kohanpardaz. [In Persian]
- Ramazani, K. (2000). *Educational psychology*. Yasuj: Fatimiyah. [In Persian]
- Santrock, J. (2006). *Educational psychology*. Yazd: University of Yazd Press. [In Persian]
- Shaykh Saduq, I. B. (2010). *'Ilal al-Shara'i'*. Qom: Bustan al-Kitab. [In Persian]
- Tabataba'i, S. M. H. (2009). *Al-Mizan*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی